

اقتصاد مقاومتی و رابطه آن با * ارزش‌ها و هنجارهای اقتصادی – اجتماعی*

(با رویکرد آسیب‌شناسانه به نگاه ارزشی و هنجاری به مصرف گرایی)

□ محمود اصغری^۱

چکیده

نویسنده در این مقاله در پی تجزیه و تحلیل و نقد و بررسی رابطه اقتصاد مقاومتی با ارزش‌ها و هنجارهای اقتصادی - اجتماعی (با رویکرد آسیب‌شناسانه به نگاه ارزشی و هنجاری به مصرف گرایی) است؛ زیرا مسلم است نظام اسلامی برای تداوم حیات اقتصادی خود همراه با استقلال و عزت اجتماعی، لازم است در گام اول، نیازهای اساسی و حیاتی جامعه خود را با استفاده از منابع و عوامل تولید، با بهترین و اثربخش‌ترین شیوه و پرهیز از اتلاف و تضییع منابع تأمین کند. هر چه منابع و عوامل تولید در جهت رسیدن به رشد و توسعه اقتصادی بهتر استفاده شود و کم‌تر مغفل و راکد بماند یا اتلاف و تضییع شود، حرکت در جهت اقتصاد مقاومتی شتاب بیشتری خواهد گرفت. بی‌تردید این امر مهم زمانی میسر است که بستر اجتماعی آن نیز فراهم باشد. آنچه که این بستر را آماده می‌سازد ارزش‌ها و هنجارهای مناسب با این تحول عظیم در زمینه اقتصادی است. بنابراین، فرض ما در این مقاله بر این

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۶/۰۸ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۱۱/۱۲.
۱. عضو پژوهشی دانشگاه علوم اسلامی رضوی
asghari@razavi.ac.ir

است که رابطه تنگاتنگی بین ارزش‌ها و هنجارهای اقتصادی - اجتماعی با اقتصاد مقاومتی وجود دارد که بدون وجود این ارزش‌ها و هنجارها دست‌یابی به اقتصاد مقاومتی با چالشی جدی رویرو است.

واژگان کلیدی: اقتصاد مقاومتی، ارزش‌ها، هنجارهای اجتماعی، آموزه‌های دینی، مصرف‌گرایی.

مقدمه

نگاهی، هر چند گذرا، به روابط اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی موجود در جامعه، بیننده را با مواردی رو به رو می‌سازد که با توجه به آموزه‌های دینی و ارزش‌های فرهنگی مورد قبول اکثریت افراد جامعه به سختی مورد انتظار و توجیه پذیرند. آموزه‌های دینی، به ویژه به لحاظ عناصر ادراکی و ارزشی آن، سرشار از مفاهیم و الگوهای مثبت و سازنده است، اما این باورها و ارزش‌ها چنان که در یک فرایند جامعه‌شناسی مورد انتظار است، به صورت هنجار در نمی‌آیند و به عرصه زندگی فردی و اجتماعی راه نمی‌یابند.

به عنوان مثال در حالی که در حوزه باور و اعتقاد، رعایت حد اعتقدال در مصرف و پرهیز از اسراف و تبذیر و چشم و هم‌چشمی و حمایت از تولیدات داخلی و پرهیز از خرید و مصرف کالای قاچاق و عمل به قوانین و احترام گذاشتن به آن، امری لازم و از مصاديق بارز ارزش‌های دینی و فرهنگی است؛ اما در حوزه کنش و رفتار افراد در جامعه، خلاف آنچه به عنوان باورها و ارزش‌های مشاهده می‌شود؛ تا جایی که، حتی قانون و مقررات امری است که باید به هر صورت ممکن و با توصل به هر وسیله‌ای از آن فرار کرد و تن دادن به آن نوعی ضعف شخصیتی و اجتماعی تلقی می‌شود.

کار و تلاش و گذراندن زندگی از حاصل دسترنج و تلاش مفید به حال جامعه از بارزترین ارزش‌های دینی و اجتماعی است؛ اما در مقام ارزش گذاری عملی، کسانی در جامعه افراد موفق محسوب می‌شوند و مورد تکریم و اعجاب قرار می‌گیرند که بتوانند با کار کم‌تر و راحت‌تر، درآمد بیشتری کسب کنند و

در مدت کمتری به جمع آوری ثروت‌های کلان دست یابند.

اقتصاد مقاومتی که شکلی از اقتصاد اسلامی است، در ۱۶ شهریور سال ۱۳۸۹ از سوی مقام معظم رهبری رهبری، جهت اصلاح نظام اقتصادی کشور مطرح و در ۲۹ بهمن سال ۱۳۹۲ در ۲۴ بند، در قالب سیاست‌های اقتصاد مقاومتی به دولت ابلاغ گردید. در بند هشتم این سیاست‌ها به موضوع مصرف پرداخته و می‌گوید: مدیریت مصرف با تأکید بر اجرای سیاست‌های کلی اصلاح الگوی مصرف و ترویج مصرف کالاهای داخلی همراه با برنامه‌ریزی برای ارتقاء کیفیت و رقابت پذیری در تولید (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۲/۱۱/۲۹).

همچنان که در بند بیست و یکم آن طالب «تبیین ابعاد اقتصاد مقاومتی و گفتمان سازی آن به ویژه در محیط‌های علمی، آموزشی و رسانه‌ای و تبدیل آن به گفتمان فراگیر و رایج ملی» است (همان). این مقاله تلاشی در جهت تبیین بند هشتم و بیست و یکم این سیاست‌هast؛ زیرا مسلم است، بنای اقتصاد مقاومتی از دل رفتارهای اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی جامعه بیرون می‌آید و رابطه تنگاتنگی با ارزش‌ها و هنجارهای موجود در جامعه دارد.

از آنجا که اقتصاد مقاومتی در چارچوب اقتصاد اسلامی تعریف و تبیین می‌گردد، به تع آن ارزش‌ها و هنجارها در باب مصرف نیز با رویکرد دینی مورد بحث قرار می‌گیرد.

بنابراین، فرض ما در این نوشتار بر این است که رابطه مستقیم و تنگاتنگی میان شکل‌گیری اقتصاد مقاومتی در کشور و باورهای ذهنی و رفتاری جامعه در رابطه با تولید و مصرف وجود دارد و ریشه اصلاح مسائل اقتصادی در راستای دست‌یابی به اقتصاد مقاومتی در بخش تولید و مصرف در اصلاح ارزش‌های اقتصادی، و هنجارهای اجتماعی است.

این نوشتار در دو بخش، به تبیین رابطه اقتصاد مقاومتی با ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی خواهد پرداخت.

پیشینه تحقیق

در رابطه با پیشینه تحقیق باید به این نکته اشاره شود که اگر چه درباره اقتصاد مقاومتی و مطالب مربوط به آن تحقیقاتی صورت گرفته است، اما این که این سه موضوع (اقتصاد مقاومتی و رابطه آن با ارزش‌ها و هنجارهای اقتصادی – اجتماعی) با هم به صورت یک مسئله تحقیقی مورد بررسی قرار گرفته باشد، به نظر کاری انجام نشده است. در ادامه به عنوانین برخی از این مقالات و مطالب آن اشاره می‌شود.

۱. سیف، الله مراد (۱۳۹۱)، در مقاله «الگوی پیشنهادی اقتصاد مقاومتی جمهوری اسلامی ایران»، با بهره‌گیری از بیانات رهبری به چهار مؤلفه اساسی رشد اقتصادی، عدالت اقتصادی، ثبات اقتصادی و فنریت اقتصادی پرداخته و به مناسبت به بحث از حمایت از تولید ملی با تأکید بر خودکفایی، حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان، بهبود فضای کسب و کار و اصلاح الگوی مصرف پرداخته است.

۲. میرمعزی، سید حسن (۱۳۹۱)، در مقاله‌ای با عنوان «اقتصاد مقاومتی و ملزمومات آن با تأکید بر دیدگاه‌های مقام معظم رهبری^۱»، اقتصاد مقاومتی را شکل خاصی از نظام اقتصادی اسلام دانسته که در وضعیت تهدید اقتصادی دشمن با تغییر اولویت‌ها و اهداف نظام اقتصادی و تغییر متناسب با آن در اصول راهبردی و سیاست‌های کلی نظام پدید می‌آید.

۳. هزاوئی، مرتضی و زیرکی، علی (۱۳۹۳)، در مقاله «اقتصاد مقاومتی؛ نماد مدیریت جهادی در اقتصاد سیاسی ایران»، با پرداختن به مفهوم رانت و اقتصادهای رانتی، ریشه مشکلات اقتصادی کشور را در رانتی بودن اقتصاد دانسته و راه اصلاح را در اصلاح این ساختار می‌داند.

۴. رضایی دوانی، مجید و رضایی، مرتضی (۱۳۹۳)، در مقاله «اقتصاد مقاومتی و صرفه‌جویی در هزینه‌های عمومی کشور»، با مروری بر اندیشه‌های اقتصادی

اسلام در خصوص معیارهای عملکردی دولت، راه کارهایی را برای تقلیل و صرفه‌جویی در منابع عمومی دولت پیشنهاد می‌کند.

۵. معلمی، سید مهدی (۱۳۹۰)، در پژوهشی تحت عنوان «مفهوم و اصول اقتصاد مقاومتی در آموزه‌های اقتصاد اسلامی»، با بیان این که الگوی اقتصاد مقاومتی یک الگوی اسلامی است، به بررسی این موضوع در قالب شش اصل پرداخته است.

۶. اصغری، محمود (۱۳۹۳)، در مقاله «تریت دینی و تأثیر آن بر اقتصاد مقاومتی»، با بیان این که بین تربیت دینی و اقتصاد مقاومتی رابطه معناداری وجود دارد؛ زیرا تربیت دینی در بعد اقتصادی در واقع همان مهارت آموزی و به کارگیری آن در بهره‌وری بهینه از منابع و ارتقاء بهره‌وری است، در این باره سخن گفته است.

۷. تراب زاده جهرمی، محمد صادق؛ سجادیه، سید علیرضا و سمیعی نسب، مصطفی (۱۳۹۲)، در مقاله «بررسی ابعاد و مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی جمهوری اسلامی ایران در اندیشه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای الله»، اقتصاد مقاومتی را طراحی و مدل‌سازی ویژه‌ای از شرایط و ساز و کارهای اقتصادی دانسته که مبنی بر آن فضای اقتصادی کشور براساس فرض وجود حداکثر تحریم‌ها و فشارها به صورت فعال و نه منفعل طراحی می‌شود.

۸ اسدی، علی (۱۳۹۳)، در مقاله دیگری تحت عنوان «نظام اقتصاد اسلامی، الگویی کامل برای اقتصاد مقاومتی»، با بیان این که اقتصاد مقاومتی محصول اقتصاد اسلامی است معتقد است این اقتصاد، در شرایط بروز ناملایمات، حوادث، بحران‌ها یا در مسیر اهداف پویا و پایدار به تخصیص بهینه منابع می‌پردازد.

۹. رهبر، فرهاد؛ سیف‌الدین، امیر علی و رهبر، امیر حسین (۱۳۹۳)، در پژوهشی به نام «رهیافتی بر هستی‌شناسی اقتصاد مقاومتی؛ تلاشی در جهت نگاه

اسلامی به گذار سیستم‌های اقتصادی - اجتماعی، اقتصاد مقاومتی را اقتصادی می‌داند که اجازه رشد را در شرایط تحریم و فشار می‌دهد.

بخش اول: تعریف مفاهیم

تعریف اقتصاد مقاومتی

اقتصاد مقاومتی، همچنانی که از نام آن پیداست، اقتصادی است که در پی آسیب‌زدایی و ترمیم ساختارهای اقتصادی موجود از طریق ایجاد نهادهای اقتصادی با رویکرد انقلابی و جهادی است. مهم‌ترین ویژگی اصلی این اقتصاد، تداوم رشد اقتصادی در شرایط فشارهای بیرونی است و به بیان مقام معظم رهبری ^۱ اقتصاد مقاومتی: «عنی آن اقتصادی که در شرایط فشار، در شرایط تحریم، در شرایط دشمنی‌ها و خصومت‌های شدید می‌تواند تعیین کننده رشد و شکوفایی کشور باشد» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۱/۵/۱۶).

تعاریف دیگری که صاحب‌نظران در رابطه با معنا و مفهوم اقتصاد مقاومتی بیان نموده‌اند به نوعی شرح و توضیح و تبیین کلام رهبری است. نمونه‌هایی از آن تعاریف بدین قرارند:

کام فیروزی، محمد حسن؛ بنیادی نائین، علی و موسوی، لقمان (۱۳۹۲) می‌گویند: اقتصاد مقاومتی یک افزونه (نه لزوماً نظام) اقتصادی بومی است که مبتنی بر علم، عقلانیت، اراده عمومی و معارف ناب اسلامی است. این افزونه به منظور افزایش ثروت عمومی پدید ساختن عدالت اقتصادی و رفع شکاف بین طبقات اجتماعی، افزایش رفاه عمومی و ریشه‌کن کردن فقر و در جهت رسیدن به نظام اقتصادی اسلامی که قابلیت پیاده سازی در تمدن بزرگ اسلامی را دارد به کار می‌رود.

معلمی، سید مهدی (۱۳۹۰)، معتقد است: اقتصاد مقاومتی یک الگوی اسلامی است که کیفیت تعامل و ارتباط اقتصادی با کشورهای خارجی را تعیین می‌کند؛

به گونه‌ای که از سویی ناظر به اوضاع داخلی کشور و پوشش نقاط ضعف است و از سوی دیگر با اتکاء به نقاط قوت اقتصاد داخلی، حقوق پایمال شده ملت را از کشورهای متجاوز استیفا می‌کند.

خوش چهره، محمد (۱۳۹۱)، باور دارد: اقتصاد مقاومتی کاهش وابستگی‌ها و تأکید بر مزیت‌های تولید داخل و تلاش برای خوداتکایی است.

موسوی، سید علی (۱۳۹۲)، می‌گوید: اقتصاد مقاومتی یعنی تشخیص حوزه‌های فشار در شرایط کنونی تحریم، و در پی آن تلاش برای کنترل و بی اثر کردن، و در شرایط آرمانی تبدیل چنین فشارهایی به فرصت، که به طور قطع باور و مشارکت همگانی و اعمال مدیریت‌های عقلایی و مدبرانه پیش شرط و الزام چنین موضوعی است.

صادقی شاهدانی، مهدی (۱۳۹۱)، معتقد است: اقتصاد مقاومتی یعنی این که مردم الگوی مصرف خود را تغییر دهند و از مصرف کالای خارجی به سمت مصرف کالای داخلی حرکت کنند.

جامی، علیرضا؛ ایمانی مقدم، حمید رضا و تنها، مجتبی (۱۳۹۱)، بر این باورند که: اقتصاد مقاومتی سیستمی است که در صدد است با محوریت توسعه منابع انسانی، انضباط و قانونمندی، رشد و پایداری اقتصادی را برقرار سازد (جامی، ایمانی مقدم، تنها، ۱۳۹۱، ۱۸۲). همان گونه که گفته شد این تعاریف بازگشت به تعریفی است که مقام معظم رهبری از اقتصاد مقاومتی نمودند.

تعريف ارزش‌ها

واژه ارزش در لغت به معنای قدر، مرتبه، استحقاق، لیاقت، شایستگی، زینندگی و... آمده است (دهخدا، ۱۳۴۱، مسلسل ۶، ۱۸۰۶). در تعریف ارزش‌ها گفته‌اند: ارزش‌ها، باورهای ریشه‌داری هستند که گروه اجتماعی هنگام سؤال درباره خوبی‌ها و بدی‌ها و کمال مطلوب به آن رجوع می‌کند (کوئن، ۱۳۷۲، ۷۳).

از منظر جامعه‌شناسی ارزش‌ها به عنوان معیارهایی تعریف شده‌اند که بر

مبنای آنها گروه یا جامعه اهمیت اشخاص، الگوهای رفتاری، هدف‌ها و دیگر اشیاء فرهنگی - اجتماعی را ارزیابی می‌کند (نیک گهر، ۱۳۶۹، ۲۸۱).

با توجه به تعریف مزبور است که جامعه‌شناسان نقش ارزش‌ها را در جامعه بسیار کلیدی دانسته و از آن به چراغ هدایت رفتار تغییر نموده‌اند. از این‌رو، نه تنها قوام فرهنگ، بلکه قوام جامعه را وابسته به ارزش‌ها دانسته‌اند (مریجی، ۱۳۸۲، ۱۱).

معنای هنجار

واژه هنجار در زبان فارسی به معنی راه، روش، راه راست، جاده، طرز و قاعده بیان شده است (دهخدا، ۱۳۴۱، مسلسل ۶، ۱۸۰۶). همچنین در فرهنگ لغت عمید به معنی قانون، روش، رفتار و... آمده است (عمید، ۱۳۵۶، ۱۲۶۰).

بنابراین، هنجار در لغت به عنوان قانون یا قاعده‌ای تلقی می‌شود که باید به آن رجوع نمود. هنجار در این معنا نشان دهنده معیار مشترکی بین اعضای یک گروه اجتماعی است که انتظار می‌رود براساس آن رفتارشان را شکل دهد. این همنوایی از طریق تشویق‌ها و مجازات‌ها تنفیذ می‌شود (وثوقی و نیک خلق، ۱۳۷۱، ۱۸۳).

در جامعه‌شناسی نیز، هنجار قاعده و معیاری است برای رفتار و تنظیم روابط که اکثریت از آن پیروی می‌کنند و عدم پیروی از آن مجازات در پی دارد. از طرفی، هنجارها رفتارهای معینی هستند که براساس ارزش‌های اجتماعی قرار دارند و با رعایت آنها جامعه نظم و انتظام پیدا می‌کند (سلیمی، ۱۳۸۰، ۳۳۸).

بنابراین، هنجار یک قاعده رفتاری است که مشخص می‌کند مردم در شرایط معین چگونه رفتاری باید داشته باشند. ثمره این استاندارد رفتاری آن است که به بقای الگوهای روابط متقابل اجتماعی و شیوه‌های انجام امور کمک می‌کند.

مبنای ارزش‌ها و هنجارها در جامعه اسلامی خدا محوری

(۱۱)

از آنجا که جامعه اسلامی، هستی‌شناسی خاص خود را دارد، برای زندگی افراد جامعه اهدافی را مشخص ساخته است که باعث می‌شود در مجموعه رفتاری انسان‌های مؤمن تأثیرگذار باشد. از این رو، آداب اجتماعی به عنوان یک زیر مجموعه، رفتار عموم مسلمانان معنا و مفهوم می‌یابد و معیارهای خاص خود را می‌طلبد.

از نظر اسلام هیچ غایتی برای زندگی بشر جز توحید نیست، که در مرحله اعتقاد و عمل خود را نشان می‌دهد. اسلام کمال انسان و غرض نهايی زندگی اش را در تحقق اسماء الهی در انسان می‌داند به گونه‌ای که انسان صبغة الله یافته و متجلی به اسمای حسنا و نیکوی الهی گردد. از این رو باید در همه ابعاد وجودی اش، نه تنها پای‌بند به قوانین و آموزه‌های دستوری و اخلاقی اسلام باشد، بلکه با توجه به سلایق نیکو نیز ظرافت و زیبایی‌های رفتاری را مورد توجه قرار دهد. بنابراین، ارزش‌ها و هنجارها در جامعه اسلامی حول محور الهی در گردش‌اند.

براساس این مبنای ارزش‌ها و رفتارهای بهنجار تنها آن چیزی نیست که ضوابط اجتماعی اقتضا می‌کند، زیرا چه بسا قواعد اجتماعی حاکم بر جامعه رفتاری مطابق با خدامحوری نباشند؛ در این مبنای منع کشف و دریافت قواعد و اصول نظام اجتماعی کتاب خدا، سیره و سنت پیامبر خدا ﷺ، و گفتار و راه و رسم معصومین ﷺ و حکم عقل است. بر این اساس، هر چه از این چارچوب دینی خارج شود و ارزش‌های مورد نظر آن را به رسمیت نشناشد، به عنوان انحراف و کج روی محسوب می‌گردد: «وَأَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ ذَلِكُمْ وَصَاعِدُكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ» (انعام/۱۵۳)؛ و این است راه راست من از آن پیروی کنید و به راه‌های گوناگون نروید که، شما را از

راه خدا پراکنده می‌سازد. این‌هاست آنچه خدا شما را بدان سفارش می‌کند،
شاید پرهیزگار شوید.

نقش هنجارها در نظام اجتماعی

شرط بقاء جامعه، یگانگی اجتماعی و شرط یگانگی اجتماعی، رعایت هنجارها از طرف افراد جامعه است. از این‌رو، هر جامعه‌ای می‌کوشد اعضاء خود را با هنجارهای گروهی سازگار و همنوا کند. به همین سبب هر جامعه‌ای همنوایی اجتماعی را فضیلت و ناهمنوایی اجتماعی را رذیلت می‌شمارد.

جامعه افرادی را که با هنجارهای اجتماعی سازگاری دارند بهنجار و گرامی می‌دارد و اعضاء ناسازگار را هنجارشکن یا نابهنجار، می‌نامد و مورد تحقیر و گاه مجازات قرار می‌دهد (نیک گهر، ۱۳۶۹، ۳۴۸-۳۴۹).

پیروی نکردن از هنجارها کج روی است، همچنان که پیروی کردن از آنها سازگاری نام دارد. سازگاری ممکن است از سر علاقه و دلبستگی یا برادرانضباط و اجراب باشد (همان، ۱۶۹-۱۶۸).

در اسلام وجود آئین امر به معروف و نهی از منکر و اهمیت فراوان آن در قرآن کریم و احادیث معصومین ﷺ، و اهمیت جایگاه محیط خانواده در تربیت و سالم‌سازی محیط و نقش والای مکان‌های تعلیم و تربیت در اسلام و نقش محیط معاشرت در تأثیرگذاری بر رفتار انسان‌ها، همگی حاکی از اهمیت سازگاری از روی میل و علاقه در حفظ و حمایت از ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی در اندیشه‌های اسلامی است (ستوده، ۱۳۸۴، ۱۴۱).

﴿وَ تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَ التَّقْوَىٰ وَ لَا تَعَاوَنُوا عَلَى الإِلْمِ وَ الْعُدُوانِ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ﴾ (مائده ۲/۲)؛ و (همواره) در راه نیکی و پرهیزگاری با هم تعاون کنید! و (هرگز) در راه گناه و تعدی همکاری ننمایید! و از (مخالفت فرمان) خدا

پرهیزید که مجازات خدا شدید است.

در واقع یکی از اصول و ارزش‌هایی که نقش کلیدی را در حاکم نمودن روحیه سازگاری در قالب یک هنجار در جامعه ایجاد می‌کند، مسئله تعاون و همیاری و رقابت سالم در فعالیت‌های اقتصادی افراد در جامعه است؛ به همین دلیل، جهت‌گیری سیاست‌های نظام اسلامی باید برای تقویت و سامان بخشیدن به این روحیه باشد.

حمایت از هنجارها

اهمیت حمایت از هنجارها در میان جوامع تا جایی است که حتی در نظام‌های حقوقی سکولار امروز غربی، قانون‌گذار مسؤول محافظت از هنجارهای جامعه است و خود دنباله‌رو جامعه در ارتباط با هنجارها محسوب می‌شود. در واقع قانون‌گذار در این جوامع وظیفه دارد هنجارهای مطرح در جامعه را شناسایی نموده و برای محافظت از آنها، رفتارهای متوازن‌به به این هنجارها را جرم‌انگاری نماید. بنابراین نخستین هدفی که قانون‌گذار در نظام‌های حقوقی غرب از جرم‌انگاری رفتارها دنبال می‌کند، محافظت از هنجارهایی است که آن را مورد احترام اجتماع تشخیص می‌دهد.

بر همین اساس پیروان مکتب دفاع اجتماعی در جوامع غربی اعتقاد دارند پایمال شدن هر یک از هنجارهای مورد احترام اجتماع و جدان عمومی جامعه را به حرکت درآورده و باعث می‌شود که جامعه خود را در معرض خطر بیند و به همین دلیل خواستار واکنش به این هنجارشکنی می‌شوند و دستگاه قضایی موظف است در پاسخ به این درخواست جامعه، به رفتارهای خلاف هنجار واکنش نشان دهد. بنابراین رفتارهایی که به هنجارهای اجتماعی تجاوز می‌نمایند شناسایی و جرم‌انگاری می‌گردند تا به هنگام ارتکاب آنها از سوی افراد، دستگاه قضایی بتواند در مقام واکنش به هنجارشکنی در اجتماع از جامعه دفاع کرده و هنجارشکنان را قادر به پرهیز از تعدی به هنجارهای جامعه نماید (ابن‌دآبادی،

رابطه پین هنچارها با ارزشها

همچنان که گذشت، ارزش‌ها، احساسات ریشه‌دار و عمیقی است که اعضای جامعه در آن شریکند. ارزش‌ها وقتی تعین می‌یابند که به قاعدة رفتار تبدیل شده و انتظارات افراد را شکل دهند. از این رو، هنجارها تعین بخش ارزش‌ها هستند، همان‌گونه که رفتار عینت بخش هنجار است.

بنابراین، هنجارهای اجتماعی در حقیقت رفتارهایی است که فرد در قبال افراد جامعه از خود بروز می‌دهد. مجموعه سنت‌ها، قوانین، آداب و اخلاق است که هنجارهای اجتماعی فرد را مورد ارزیابی و سنجش می‌گذارد و در پایان، ارزش و جایگاه رفتاری او را تسبیح می‌نماید (نیک گهر، ۱۳۶۹، ۲۸۹-۲۸۷).

وقتی یک ارزش به هنجار تبدیل شود، یعنی وقتی اکثریت یک جامعه یک پدیده را با ارزش تلقی نمودند، آن پدیده به ارزش اجتماعی یا ارزش هنجار شده تبدیل می‌گردد (همان، ۲۹۳-۲۹۲). پدیده‌هایی که ارزش واقعی دارند نیز فقط وقتی به ارزش اجتماعی تبدیل می‌شوند، که رهبران آن جامعه بتوانند آن ارزش را در جامعه اشاعه دهن و به هنجار تبدیل نمایند، به طوری که عدم پذیرش درونی و عدم رعایت آن توییخ‌های درونی و غیر رسمی از جانب بقیه اعضاء جامعه در پی داشته باشد. در واقع نخبگان و گروه‌های مرجع، نقش الگوهای عینی را ایفا می‌کنند. در راستای توجه به این نیاز اجتماعی انسان است که قرآن کریم نبی مکرم اسلام ﷺ را به عنوان الگوی نیکوی عینی معرفی می‌کند «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَنْ كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا» (احزاب/۲۱)؛ به طور مسلم برای شما در زندگی رسول خدا سرمشق نیکویی بود، برای آنها که امید به رحمت خدا و روز رستاخیز دارند و خدا را سیار یاد می‌کنند.

در هر صورت هر چه که هنگار شد چه از حیث ماهیت با ارزش باشد و چه بی ارزش، از نظر اکثریت اعضاء جامعه با ارزش (یعنی به ارزش اجتماعی تبدیل)

می‌شود، چه هنجارها برای یک جامعه مفید باشند مانند: اعتقادات جمعی، ایثار، کار و تلاش صادقانه، وجودان کاری، ... و چه مضر باشند، مانند خرید و فروش اجناس قاچاق، بی‌توجهی به مقررات و قوانین، فرار از مالیات و... (رفیع پور، ۱۳۸۷، ۱۶۲ و ۱۶۳).

بنابراین، با توجه به این که هنجارها، قواعد و کنش‌هایی هستند که اشخاص، ناخودآگاه رفتار خود را با آن تطبیق می‌دهند و در هر وضعیت اجتماعی طبق معیارهایی که صحیح و مناسب است عمل می‌کنند؛ رسوم اخلاقی مستقر و قدرتمند که الگوهای رفتاری در جامعه هستند، مهم‌ترین هنجارهای رفتار اجتماعی به شمار می‌آیند (وشوقی و نیک خلق، ۱۳۷۱، ۱۸۴) و متغیرهای اقتصادی تابع این رفتارهاست.

بخش دوم: اقتصاد و رابطه آن با ارزش‌ها و هنجارها

جایگاه اقتصاد در تقسیم‌بندی علوم

اگر چه اقتصاد در تقسیم‌بندی علوم، در گروه علوم انسانی و اجتماعی قرار دارد، ولی از برخی جنبه‌ها با آنها متفاوت است. رشته‌هایی از علوم انسانی و اجتماعی را که موضوع آنها افراد، گروه‌ها و جوامع و کیفیت روابط بین آنهاست، می‌توان «علوم انسانی» محسض نامید، حال آن که اقتصاد از این نظر کمی متفاوت است. زیرا اقتصاد یکی از وظایفش مطالعه رفتار اقتصادی انسان‌هاست و از این جهت از «علوم انسانی محسض» محسوب می‌شود؛ ولی علاوه بر آن وظیفه تبیین و شناخت بعضی روابط فیزیکی و تکوینی بین پدیده‌های اقتصادی را نیز به عهده دارد و از این منظر با علوم انسانی محسض متمایز است. با توجه به همین مسأله است که شهید صدر برای اقتصاد دو دسته عوامل را در نظر می‌گیرد؛ یک دسته عوامل انسانی و دسته دیگر عوامل فیزیکی (صدر، ۱۳۶۰، ۲۸۶/۱). حال با توجه به آنچه گفته شد، عوامل فیزیکی، گرچه مقوله‌ای غیر ارزشی‌اند، ولی بهره‌برداری

و به کارگیری آنها به عنوان ابزار، مسئله‌ای ارزشی است، زیرا که انتخابی است و انتخاب نیاز به معیار دارد و معیار مسئله‌ای ارزشی است. و ارزش خود، همچنان که گذشت، خمیر مایه هنجار را می‌سازد.

با توجه به آنچه گفته شد به اعتقاد بسیاری از اقتصاددانان، علم اقتصاد بدون اتکا به یک سیستم ارزشی قابل تصور نیست.

اقتصاددانان شاخصی همچون «میرadal»، «ساموئلسون» و ده‌ها اقتصاددان دیگر مدعی‌اند که در هیچ علمی نظریه با مشاهده فارغ از ارزش‌گذاری ممکن نیست و هیچ اقتصاددانی نمی‌تواند به لحاظ اخلاقی در برابر مسائل و موضوعات مطروحه، از جمله مسائل اقتصادی، بی‌طرف باشد، زیرا خود بی‌طرفی هم یک نوع قضاوت ارزشی و اخلاقی است. میرadal معتقد است «به دلایل منطقی تا به حال علم اجتماعی بی‌طرف وجود نداشته است و از این به بعد هم نخواهد داشت. هر موقع که به جستجوی حقیقتی می‌پردازیم، مانند دیگر رفتارهای معنادار خود، خواه و ناخواه از ارزش‌های معینی پیروی کرده‌ایم، لکن این ارزش‌ها ممکن است در ذهن پنهان بمانند و محقق هیچ‌گاه متوجه حضور آنها نشود. از آنجا که در این حالت ارزش‌های نهفته فوق در ضمیر ناخودآگاه محقق به طور مبهم و نامعینی عمل خواهد کرد، اگر درها به سوی پیش‌داوری‌ها و تعصبات باز شوند جای تعجبی نخواهد بود» (میرadal، ۱۳۵۶، ۲۹). حتی برخی مانند کاتوزیان تا جایی در این مسئله پیش رفته‌اند که می‌گویند:

در حالی که اقتصاددانان نوکلاسیک، در گذشته و حال دل مشغول تعیین شرایطی بوده‌اند که بتواند تخصیص کارای منابع را تضمین کند؛ یعنی شرایطی که در مجموع بیشترین رفاه مادی را از منابع محدود عاید گرداند، با این فرض که این هدف اجتماعی مطلوبی می‌باشد، همه این‌ها چه درست و چه نادرست نظریه‌هایی تجویزی‌اند (همايون کاتوزیان، ۱۳۷۴، ۱۴۸).

بنابراین، اقتصاد نمی‌تواند تابع ارزش‌ها و هنجارهای موجود در جامعه نباشد و

نسبت به آنها بی تفاوت باشد.

تأثیرپذیری اقتصاد

آنچه مسلم است کنش‌ها و رفتارهای بهنجار و نابهنجار مرتبط با مسائل اقتصادی پیامدها و آسیب‌های خود را بر متغیرهای اقتصادی از قبیل نرخ رشد پس‌انداز، نرخ رشد سرمایه‌گذاری، نرخ رشد تولید و مصرف و نرخ رشد صادرات و واردات و... خواهد گذاشت.

با این که در آموزه‌های اسلامی به طور کلی اقتصاد در نقطه مقابل اسراف

قرار گرفته، چنان که در کلامی امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند:

«إِنَّ الْقَصْدَ أَمْرٌ يُحِبُّهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ وَ إِنَّ السَّرَّافَ أَمْرٌ يُبْغِضُهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ حَتَّى طَرْحَكَ النَّوَاهَ فَإِنَّهَا تَصْلُحُ لِشَيْءٍ وَ حَتَّى صَبَّكَ فَضْلَ شَرَابِكَ» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ۵۵۱/۲۱)؛ خداوند متعال اقتصاد و میانه‌روی را دوست دارد و اسراف و زیاده‌روی مورد خشم او است، حتی اگر اسراف در انداختن هسته خرمایی باشد

که قابل مصرف است یا زیادی آبی که خورده شده، باشد.

همان گونه که دیده می‌شود از این تعبیر امام می‌توان استفاده نمود که اقتصاد همان استفاده بهینه از منابع و کالاست و عکس آن حیف و میل نمودن منابع، که همان اسراف است، می‌باشد. بنابراین، با این که اسراف پدیده‌ای است مذموم، حتی در مورد یک کالای بسیار بی‌ارزش و به ظاهر غیر قابل اعتماً، اما در عین زیاده‌روی در مصرف و حیف و میل به ویژه در مواد غذایی به عنوان یک هنجار در جامعه به وضوح دیده می‌شود.

در بخش تولید، تولید کالاهای لوکس، پرخرچ و تشریفاتی، خود نوعی هدر دادن سرمایه‌ها، وقت و نیروی انسانی است. منابعی که صرف تولید برخی کالاهای لوکس و تجملی می‌شود اگر صرف سرمایه‌گذاری در بخش صنعت، کشاورزی و خدمات گردد می‌تواند موجب رشد و توسعه کشور شود.

همچنان که بی‌توجهی به کیفیت و مرغوبیت کالا در مرحله تولید نیز موجب اسراف و تضییع و از بین رفتن منابع می‌شود. تولید کنندگان کالاهای صنعتی اگر دقت لازم را در تولید یک قطعه صنعتی به کار نبرند، علاوه بر هدر دادن سرمایه وقت و نیروی انسانی و سلب اعتماد عمومی، از مصادیق اسراف در مصرف در کلام امام صادق علیه السلام می‌گردد، زیرا از منابع استفاده بهینه را نبرده‌اند.

و یا در مصرف انرژی با توجه به منابع خدادادی در کشور با توجه به قیمت‌هایی به مراتب ارزان‌تر از دیگر کشورها و با سهولت بیشتری به مصرف کننده عرضه می‌شود، میزان مصرف و الاف انرژی در ایران به مراتب بالاتر از کشورهای صنعتی است و وضعیت مصرف انرژی در کشور با اصول مربوط به ارتقاء بهره‌وری و بازدهی انرژی در جهان، به طور کلی مغایرت دارد. این در حالی است که انرژی در حیات اقتصاد صنعتی جوامع، نقش زیربنایی را ایفا می‌کند، به این معنا که هرگاه انرژی به مقدار کافی و به موقع در دسترس باشد، توسعه اقتصادی نیز میسر خواهد بود.

بنابراین، تولید کنندگان و مصرف کنندگان انرژی باید درخصوص نقشی که انرژی برای دست‌یابی به توسعه پایدار به عهده دارد، به طور عمیق بیان‌دیشند و در نتیجه تلاش کنند تا چرخه نابهنجاری، که بیشتر به دلیل مصرف ناصحیح به شکل چرخه رشد اقتصادی، استفاده از انرژی رشد یافته، از میان برود.

اگر چه به لحاظ جامعه‌شناسی اجتماعی تا زمانی که رفتارهای نابهنجار بار ضد ارزشی خود را حفظ کرده و کنش‌گر، خود را در مقابل جامعه و وجودان خود خلاف کار احساس می‌کند، چندان نگران کننده نیست؛ چرا که همین بار منفی توان محدودسازی کنش نابهنجار و جلوگیری از تسری آن به عرصه رفتارهای بهنجار اجتماعی را دارد. اما هنگامی که در یک فرایند نزولی، کنش‌های نابهنجار و ضد ارزشی آن چنان در عرصه عمل اجتماعی جا بازمی‌کنند و عادی می‌شوند که به تدریج بار منفی خود را از دست داده، خود

به صورت منشأ ارزش‌ها و هنجارهای جدید ظاهر می‌شوند، آنجا جای نگرانی و احساس خطر دو چندان وجود دارد؛ چرا که به لحاظ جامعه‌شناختی، ارزش‌ها هنجارهایی متناسب با خود تولید می‌کنند (ر.ک: گیلنر، ۱۳۷۳، ۳۶)؛ در این صورت امید به بازگشت و اصلاح از بین می‌رود.

هنجارهای زمینه‌ساز اقتصاد مقاومتی با تکیه بر فرهنگ ایرانی – اسلامی هر جامعه‌ای از سه رکن اساسی تشکیل می‌شود که عبارتند از فرهنگ، سیاست و اقتصاد. این سه رکن در واقع متocom یکدیگر هستند و از بین آنها، فرهنگ نقش مهم‌تری را داراست. از این رو، اقتصاد در تبعیت از فرهنگ عمل می‌کند. به طور کلی اقتصاد، ارزش‌ها، هنجارها و جهت خود را از فرهنگ متبوع خود می‌گیرد. بنابراین، تا ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی مقاومتی نباشد، اقتصاد هم مقاومتی نخواهد شد، زیرا این دو با هم یک رابطه طولی دارند.

از این رو، اولین شرط حرکت به سمت اقتصاد مقاومتی داشتن هنجارهای فرهنگی مقاومتی است. همچنان که روحیه جهادی یک ملت، بیش از هر چیز دیگر به هویت و ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی او برمی‌گردد.

بدین جهت است که از منظر اسلام هنجارهای فرهنگی مهم‌ترین شاخصه یک جامعه اسلامی است. اگر در یک جامعه هویت اسلامی از طریق هنجارها نمود نداشته باشد و جامعه هویت دینی خود را باخته باشد، نمی‌تواند موقیت‌های چشم‌گیری در امور دنیوی و اخروی داشته باشد. هویت فرهنگی شاخصی است که با توسعه و تقویت آن می‌توان بر بزرگ‌ترین مشکلات مادی و معنوی غله کرد و جامعه را خیلی سریع‌تر و پایدارتر به توسعه همه‌جانبه رهنمون نمود.

براین اساس، فرهنگ اقتصاد که برگرفته از ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی است و به مجموعه باورها، ارزش‌ها، رفتارها و نمادها در حوزه تولید شرwt اطلاق می‌شود با تغییر یا تحول آن، اقتصاد نیز دچار تغییر و تحول خواهد شد. همچنان که هرگونه تحول مثبت یا منفی در فرهنگ سیاست (قدرت) و فرهنگ

اجتماع (هنجارها و رفтарها) به طور مستقیم بر اقتصاد مقاومتی تأثیر خواهد

گذاشت.

خاستگاه فرهنگ اقتصاد مقاومتی

دانشمندان فلسفه علوم اجتماعی، قوام فرهنگ را به ارزش‌های آن دانسته و اعتقاد دارند که این ارزش‌های جامعه است که آن جامعه را دارای هویت و قوانین ویژه می‌سازد (مصطفی، ۱۳۷۲، ۱۳۱). از این رو، جامعه‌شناسان برای ارزش‌ها نقشی کلیدی و بنیادی قائل‌اند؛ چرا که جنبه مادی و قواعد سازمانی فرهنگ، مستقیم و غیرمستقیم تحت تأثیر جنبه شناختی و به خصوص ارزش‌ها هستند، ارزش‌ها در حقیقت چراغ هدایت و سامان‌بخش سایر بخش‌های فرهنگی‌اند. این واقعیت را در تعریفی که از ارزش‌ها ارائه شد، به خوبی می‌توان دریافت.

به عبارت دیگر، هرگاه ارزش‌ها و هنجارها در تعریف مفاهیم، سیاست‌ها، قوانین، ساختارها، ضوابط و مدیریت اقتصادی، حول محور ارزش‌های «اقتصاد سرمایه‌داری» قرار دارد، نمی‌توان از تولید ثروت بر پایهٔ جهاد و مقاومت و اخلاص و ایثار سخن گفت، زیرا خاستگاه اقتصاد سرمایه‌داری این‌ها نیست. به سبب همین تغییر خاستگاه است که مقام معظم رهبری الله در تبیین خاستگاه اقتصاد مقاومتی می‌فرماید:

این اقتصاد، (اقتصاد مقاومتی) عدالت محور است؛ یعنی تنها به شاخص‌های اقتصاد سرمایه‌داری - [مثل] رشد ملی، تولید ناخالص ملی - اکتفا نمی‌کند؛ بحث این‌ها نیست که بگوییم رشد ملی این قدر زیاد شد، یا تولید ناخالص ملی این قدر زیاد شد؛ که در شاخص‌های جهانی و در اقتصاد سرمایه‌داری مشاهده می‌کنید. در حالی که تولید ناخالص ملی یک کشوری خیلی هم بالا می‌رود، اما کسانی هم در آن کشور از گرسنگی می‌میرند! این را ما قبول نداریم. بنابراین شاخص عدالت - عدالت اقتصادی و عدالت اجتماعی در جامعه - یکی از شاخص‌های مهم در اقتصاد مقاومتی است (مقام معظم رهبری، ۱/۱/۱۳۹۳).

از آنچه گذشت می‌توان چنین نتیجه گرفت که کیفیت و نوع فرهنگ حاکم بر اقتصاد می‌تواند پذیرای مفهوم ارزشی مقاومت باشد یا نباشد. در واقع تحقیق اقتصاد مقاومتی از رهگذر پیش‌نیازهای فرهنگی به وجود می‌آید.^(۲۱)

نقش ارزش‌ها و هنجارها در سبک زندگی اقتصادی

یکی از مهم‌ترین بخش‌های مطرح در سبک زندگی اقتصادی، الگوی مصرف و سبکی است که افراد در انتخاب‌ها و رفتارهای مصرفی خود بروز می‌دهند. اگر سبک زندگی به عنوان مثال مبتنی بر مدگرایی باشد؛ پذیده‌ای که در دنیای امروز به نحو چشم‌گیری گسترش یافته است، به نحوی که می‌توان گفت این فراگرد اجتماعی در لایه‌های اجتماعی کشور نیز ریشه دوانیده است و مبنای آن بر مصرف‌گرایی است، در مقولات اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی پیامدهای سوء بسیاری را بر جا خواهد گذاشت.

مدگرایی ریشه در نابرابری‌های اجتماعی دارد، ثروتمندانی که از دارایی و منابع مالی و اجتماعی بیشتری نسبت به دیگران برخوردارند، سعی دارند تا با طرح اشکال جدید لباس، خوراک، گفتمان‌های زبانی، تفریحات، اوقات فراغت و مواردی نظیر آن، خود را از سایر اقسام و طبقات اجتماعی تمایز سازند؛ بدین ترتیب با تفکیک و تمایزی که بر اثر اتخاذ این شیوه عینی رفتار رخ می‌دهد، افراد طبقه بالای اجتماعی، قدرت، منزلت و حتی شرایط کسب منابع بیشتری را برای خود بازتولید می‌کنند.

شكل هنجاری گرفتن این رفتار سبب می‌شود، افراد طبقات پایین‌تر نیز به همین روش و با انگیزه مشابه به شناسایی اشکال و صورت‌های پذیرفته شده در منش طبقات ثروتمند روی آورند و در همگون‌سازی خود با آنها و مرتفه‌نمایی بکوشند.

این در حالی است که این نوع رفتارها که از آنها در آموزه‌های دینی به عنوان چشم و همچشمی و نگاه به بالادست یاد می‌شود رفتاری مخالف با ارزش‌های

دینی به حساب می‌آید. در کلامی از امام صادق علیه السلام در این رابطه این چنین آمده است:

«إِيَّاكُمْ أَنْ تَمْدُوا أَطْرَافَكُمْ إِلَى فَيْ أَيْدِي أَبْنَاءِ الدُّنْيَا، فَمَنْ مَدَ طَرْفَهُ إِلَى ذَلِكَ طَالَ حَزْنُهُ، وَلَمْ يُشَفَّ غَيْظُهُ، وَاسْتَصْغَرَ نِعْمَةَ اللَّهِ عِنْدَهُ، فَيَقِيلُ شَكْرُهُ اللَّهِ، وَانْظُرْ إِلَى مَنْ هُوَ دُونَكَ فَتَكُونَ لَأَنْعُمِ اللَّهِ شَاكِرًا، وَلِمَزِيدِهِ مُسْتَوْجِبًا، وَلِجُودِهِ سَاكِنًا» (نوری، ۱۴۰۳ق، ج ۱۲، ح ۹۵۹۵ و ح ۱۴۱۶۷ و مجلسی، ۵۲۳/۱)؛ بر حذر باشد از این که به آنچه در دست دنیادوستان است چشم بدو زید که هر کس به آن چشم بدو زد اندوهش طولانی شود و خشمش فرو نشیند و نعمت خدا در نزد او کوچک شود و در نتیجه، شکرگزاری او نسبت به خدا کم شود و به آن کس که پایین تر از شمامت بنگرید تا شکرگزار نعمت‌های خدا، و سزاوار زیاد شدن نعمت‌ها و برخوردار همیشگی جود و بخشش خداوند شوید.

در واقع آن چه که در سیره معصومین علیهم السلام به عنوان یک ضد ارزش تلقی می‌شود، امروز در جامعه در قالب یک هنجار برای خود جا باز نموده و مانعی بر سر راه اقتصاد مقاومتی است.

واقعیت‌های موجود در جامعه

در جامعه‌ای که چشم و هم‌چشمی سبب می‌شود تا پدیده مصرف گرایی و مصرف زدگی به صورت یکی از عناصر اصلی فرهنگ اجتماعی بروز و ظهور پیدا کند، و به صورت یک هنجار اجتماعی در جامعه جا برای خود باز کند نمی‌تواند مروج مفاهیم فرهنگی اقتصاد مقاومتی باشد.

عدم وجود فرهنگ مناسب اقتصادی زمانی جلوه‌گر خواهد شد که افراد در موقعیت‌های انتخاب و تصمیم‌گیری اقتصادی قرار گرفته و لازم باشد مبنی بر ارزش‌های دینی و مقتضیات بومی خویش به رفتاری مناسب و درخور دست بزنند، اینجاست که در ک و فهمی منسجم و نظاممند از مفاهیم و روش‌های

متناسب با اقتصاد مقاومتی آنها را همراهی نمی‌کند و نتیجهٔ چنین ضعف و فقدانی بر اقتصاد مقاومتی پیشاپیش معلوم است. چرا که این افراد هستند که در شؤون مختلف خود به عنوان یک مدیر، عضو یک خانواده، نیروی کار، مصرف کننده و تولید کنندهٔ کالا و خدمات، پس انداز کننده و سرمایه‌گذار، در تعامل با دیگر اعضای جامعه، هنجارهای اقتصادی جامعه را می‌سازند.

اتخاذ سیاست‌های نامناسب

در بعد اقتصادی

وجود برخی از ناهنجاری‌های اقتصادی پیامد سیاست‌های اقتصادی است که دولت‌ها خواسته یا ناخواسته به اجرای آن می‌پردازنند. به عنوان مثال سیاستی که بعد از جنگ تحمیلی به عنوان استراتژی صنعتی غالب در ایران دنبال شد، جایگزینی واردات بود که هر چند در رشد اقتصادی به واسطهٔ ورود کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای بی‌تأثیر نبود، اما در بعد اقتصادی عملأً نتیجه‌ای جز واپسگی به کالاهای خارجی نداشت. شرکت‌های جدید چندملیتی، که طیف گسترده‌ای از کالاهای خود را از پودر لباس‌شویی گرفته تا اتومیل، به نام محصولات وطنی تولید می‌کردند و به فروش می‌رساندند، علاوه بر این که باعث شدن صنایع کشور، که به طور عمده تولید کنندهٔ کالاهای مصرفی بودند، به شدت به کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای شرکت‌های چندملیتی واپس شوند (مؤسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد؛ ۱۳۸۲، ۹۴-۹۵) ترویج مصرف گرایی رانیز در جامعه به صورت یک هنجار گسترش دادند و جامعه را به شدت مصرف‌زده نمودند.

در برابر وجود شکل هنجاری گرفتن چنین رفتارهایی است که هشدارهای رهبری را باید جدی‌تر گرفت؛ آنجا که خطاب به همه افراد می‌فرمایند:

مردم در همه سطوح، تولید ملی را ترویج کنند. همین مطلبی که من دو سه سال قبل از این، در همینجا «حرم رضوی» با اصرار فراوان گفتم، یک

عده‌ای هم از مردم خوشبختانه عمل کردند، اما همه باید عمل کنند و آن عبارت است از «صرف تولیدات داخلی». عزیزان من! شما وقتی که یک جنس داخلی را خرید می‌کنید به جای جنس تولید خارجی، هم به همین اندازه کار و استغال ایجاد کرده‌اید، هم کارگر ایرانی را وادار کرده‌اید به این که ابتکار خودش را بیاورد میدان؛ جنس داخلی که مصرف شده، آن کننده کار، ابتکاراتی دارد، این ابتکارات را روز به روز افزایش خواهد داد؛ شما وقتی که جنس داخلی مصرف می‌کنید، ثروت ملی را افزایش داده‌اید. در گذشته، در دوران طاغوت، ترجیح مصرف خارجی به عنوان یک سنت بود؛ سراغ جنس که می‌رفتند، «می‌پرسیدند» داخلی است یا خارجی؟ اگر خارجی بود، بیشتر به آن رغبت داشتند؛ این باید برگردد و به عکس بشود (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۳/۰۱/۰۱).

این در حالی است که بررسی آمارهای منتشر شده از سوی گمرک و مرکز آمار حکایت از واردات کالاهایی در کشور دارد که نه تنها در اولویت واردات قرار ندارند، بلکه امکان تولید این کالاها در داخل کشور به راحتی ممکن می‌باشد. کالاهای غیرضروری که تولید آنها در کشور و به دست صنعت‌گران ایرانی ممکن بوده، اما باز هم نه تنها شاهد ادامه واردات این کالاها، بلکه شاهد رشد روزافزون واردات بالای این کالاها هستیم (ر. ک: خبرگزاری دانشجو، ۱۳۹۳/۰۸/۰۴).

در بعد فرهنگی

همچنان که اتخاذ چنین سیاستی در بُعد فرهنگی یک آفت مهم دیگری نیز در بطن آن نهفته بود، و آن این که اشرافیت زمینه و بستری را پیدا کرد تا بتواند از حد رفشارهای فردی به درون قالب‌های گروهی نفوذ کرده و از آنجا در درون نظام سیاسی رخنه نماید.

شكل‌گیری گروههایی که حالت یا رفشارهای اشراف گونه داشتند، در چنین بستری شکل گرفت و در چنین فضایی بود که اشرافیت توانست با نفوذ در بخشی از سازمان اداری کشور رفشارهای نابهنجاری را از خود به نمایش بگذارد

تا جایی که رهبر فرزانه انقلاب در سخنی هشدارآمیز فرمودند:

کسانی هستند که تلاش می‌کنند و حقیقتاً در صدد این هستند که طبقهٔ ممتاز جدیدی در نظام جمهوری اسلامی به وجود بیاورند، و به خاطر انتساب‌ها و زرنگی‌ها و مشرف بودن بر مراکز ثروت از طرق نامشروعی به اموال عمومی دست بیندازند و یک طبقهٔ جدید، طبقهٔ ممتاز و مرفهان بی‌درد، درست کنند. نظام اسلامی با مرفهان بی‌درد و معارض و مخل، آن طور برخورد سختی کرد، حالاً از درون شکم نظام اسلامی، یک طبقهٔ مرffe بی‌درد جدید طلوع بکند، مگر این شدنی است؟

اینجانب جمع آوری ثروت و استفاده از پول و امکانات عمومی، و یا به ظاهر شخصی را، یکی از بلاهای اصلی و اساسی کشور در حال حاضر می‌دانم که باید با آن مقابله کرد. عده‌ای بنا دارند بی‌رحمانه و وحشیانه با زیر پا گذاشتن قوانین برای به دست آوردن ثروت‌های زیاد تلاش کنند (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۶/۴/۲۵).

در صورتی که آنچه در سال‌های آغازین این انقلاب به صورت یک ارزش دیده می‌شود، فرهنگ ضد اشرافی است. لذا این فرهنگ، هم در سطح دولت و هم در سطح گروه‌ها عمل می‌کند. البته جوانه‌های بسیار ضعیفی از اشرافیت را فقط در سطح فردی در آن ایام می‌توان دید که آنها هم به خاطر جو حاکم بر جامعه معمولاً در شرمساری و درخفا بودند. اما زمانی که برنامه‌ریزی و اقتصاد کشور و جهت‌گیری‌های اقتصادی مسؤولان به سمتی می‌رود که افراد برای به دست آوردن ثروت و امکانات مسابقه می‌گذارند و نه به خاطر تقوایشان، بلکه به سبب میزان سرمایه و ثروتشان مورد احترام واقع می‌شوند، وقتی این عمل به صورت یک هنجار در جامعه پذیرفته می‌شود طبیعی است که این گونه رفتارها در قالب یک ارزش اجتماعی در ذهن افراد جای خواهد گرفت (سبحانی، ۱۳۹۳، ۲۰-۲۱).

در حالی که مؤثرترین استراتژی مبارزه با اشرافیت، خشکاندن ریشه آن در درون حکومت است که اگر در آنجا آن سرچشمه خشکانده نشود، هر چقدر در سطوح پایین‌تر جامعه مصوبه و بخشنامه نوشته شود سودی نخواهد داشت، زیرا

۲۶

روشن است که حاکمان و فرمانروایان به عنوان ترویج کنندگان ارزش‌ها و فرهنگ و به عنوان اجراکنندگان ارزش‌ها در قالب هنجارها، نقش ویژه و برگزیده دارند و افراد جامعه آنان را به عنوان الگوی عملی خود در رفتار فردی و اجتماعی قرار می‌دهند؛ چرا که «الناس علی دین ملوکهم» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ۱۰۲/۸).

این در حالی است که اشرافیت از یک سو با آموزه‌های دینی و از سوی دیگر همچنان که گذشت با فرهنگ انقلاب اسلامی ناسازگار است، اما با وجود تمام این مسائل باید پذیرفت در حال حاضر از سوی بخشی از جامعه به صورت یک ارزش و در قالب یک هنجار اجتماعی مورد پذیرش قرار گرفته است.

بسترسازی میرای ارزشها و هنجارها

تلاش برای جهت دهی اقدامات سه ضلع مثلث رفتارهای اقتصادی یعنی خانوارها، دولت و بنگاههای اقتصادی با پیشگامی و محوریت دولت است، زیرا در کشور ما هنوز هم غالب اقتصاد توسط دولت، شرکت‌های دولتی و مؤسسات عمومی مدیریت می‌گردد؛ بنابراین، در صورتی که اصلاح فرهنگ اقتصاد از دولت و مؤسسات وابسته آغاز گردد، این مجموعه به عنوان یک مصرف کننده بزرگ تأثیر بسزایی در شکل‌گیری وضعیت مطلوب در جامعه خواهد داشت. ضمن این که دولت‌ها همواره نقش بی‌بدیلی رانیز در اصلاح فرهنگی و آموزش جامعه به عهده دارند و از این جهت وجود یک برنامه منسجم و نظاممند برای رفتارسازی‌های بهنجار و مطلوب در رابطه فرهنگ اقتصاد مقاومتی لازم و ضروری خواهد بود؛ پیشگامی دولت در این مسأله بی‌تردید در همه ابعاد جامعه نتایج مفیدی را در پی خواهد داشت.

نٽیجہ گیری

بین اقتصاد مقاومتی و ارزش‌ها و هنجارهای اقتصادی - اجتماعی متناسب با آن

همبستگی و رابطه تنگاتنگی وجود دارد؛ تا جایی که تحقق اقتصاد مقاومتی بدون وجود و ایجاد ارزش‌ها و هنجارهای متناسب با آن امکان‌پذیر نیست.

﴿۲۷﴾

زیرا از آنجا که به صورت طبیعی عناصر و مؤلفه‌هایی که در ذهن و ضمیر جامعه به صورت بخشی از ارزش‌ها نمایان می‌شوند، چه مثبت و چه منفی، خواه و ناخواه، راه خود را به عرصه عمل باز خواهند کرد، و به مرور خود را در قالب هنجار به جامعه خواهند قبولاند؛ تا جایی که حتی عناصر منفی بار ضدارزشی و خلاف بودن خود را از دست داده و خود به صورت هنجارهایی برخوردار از پشتونه ارزشی جدید در می‌آیند؛ به گونه‌ای که چنانچه کسی از آنها تخطی کند و در صدد عمل به خلاف این هنجارها برآید، مورد اعتراض و نکوهش دیگران نیز قرار می‌گیرد.

پیامد چنین رفتاری به عنوان مثال در بخش مصرف، وابستگی روزافزون کشور به واردات انواع و اقسام کالاهاست، که با نگاهی به وضعیت بازار کشور و نوع مصرف افراد به وضوح می‌توان دید که همچنان و به دلایل گوناگون مصرف کالای خارجی بالاست و این عادت و علاقمندی به اجناس و کالاهای خارجی به صورت یک هنجار در جامعه همچنان پر رونق است.

و در بخش تولید، علاوه بر نیمه فعال بودن بسیاری از کارخانه‌ها و کارگاه‌های تولیدی و بی‌کاری نیروی کار، برخی از تولیدکنندگان داخلی با سوء استفاده از این ذاته جامعه حاضر می‌شوند نام شرکت‌های خارجی را روی محصول خود نصب کنند و تولید داخلی را با برندهای خارجی در بازار عرضه کنند؛ در حالی که تردیدی وجود ندارد که این رفتار نابهنجار اقتصادی جدای از آسیب‌ها و پیامدهای زیان‌بار اقتصادی و اجتماعی، در آموزه‌های دینی به عنوان یک منکر اقتصادی است که از آن به عنوان تدلیس می‌توان نام برد، طبیعی است که اقتصاد مقاومتی در چنین بستری با چالش جدی روبرو است.

منابع و مأخذ
• قرآن کریم.

۱. ابلاغ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی توسط مقام معظم رهبری، (۱۳۹۲/۱۱/۲۹).
۲. اسدی، علی (۱۳۹۳)، «نظام اقتصاد اسلامی الگویی کامل برای اقتصاد مقاومتی»، فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان، سال دوم، شماره ۵.
۳. اصغری، محمود (۱۳۹۳)، «تبیین دینی و تأثیر آن بر اقتصاد مقاومتی»، فصلنامه پژوهش‌های اجتماعی اسلامی، سال نوزدهم، شماره ۹۹.
۴. بیانات مقام معظم رهبری دیدار با فرمانده و برخی نیروهای نیروی انتظامی، (۱۳۷۶/۴/۲۵).
۵. بیانات مقام معظم رهبری در حرم مطهر رضوی علیه السلام، (۱۳۹۳/۱/۱).
۶. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار دانشجویان، (۱۳۹۱/۵/۱۶).
۷. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار رئیس جمهوری و اعضای هیأت دولت، (۱۳۹۱/۶/۲).
۸. ترابزاده جهرمی، محمد صادق؛ سجادیه، سید علیرضا و سیعی نسب، مصطفی (۱۳۹۲)، «بررسی ابعاد و مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی جمهوری اسلامی ایران در اندیشه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای»، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، سال دهم، شماره ۳۲.
۹. جامی، علیرضا؛ ایمانی مقدم، حمید رضا و تنها، مجتبی (۱۳۹۱)، راهبردهای افق روشن با رویکردی بر اقتصاد مقاومتی، مشهد، سخن گستر.
۱۰. حر عاملی، محمد حسن (۱۴۰۹ق)، وسائل الشیعه، قم، مؤسسه آل‌البیت علیه السلام لاحیاء التراث.
۱۱. خبرگزاری دانشجو، (۱۳۹۳/۰۸/۰۴)، <http://www.snn.ir/detail/News/364871/189>.
۱۲. خوش چهره، محمد (۱۳۹۱)، <http://www.abna.ir/print.asp?lang=1&id=332963>.
۱۳. دهخدا، علی اکبر (۱۳۴۱)، لغت‌نامه دهخدا، تهران، انتشارات دانشگاه.
۱۴. ریانی گلپایگانی، علی (۱۳۷۷)، «حجیت و قداست معرفت‌های دینی»، کلام اسلامی، شماره ۲۶.
۱۵. رضایی دوانی، مجید و رضایی، مرتضی (۱۳۹۳)، «اقتصاد مقاومتی و صرفه‌جویی در هزینه‌های عمومی کشور»، فصلنامه اقتصاد و بانکداری اسلامی، شماره ۶-۷.
۱۶. رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۷۷)، توسعه و تضاد، تهران، شرکت سهامی انتشار.
۱۷. رهبر، فرهاد؛ سیف‌الدین، امیر علی و رهبر، امیر حسین (۱۳۹۳)، «رهیافتی بر هستی‌شناسی اقتصاد مقاومتی؛ تلاشی در جهت نگاه اسلامی به گذار سیستم‌های اقتصادی - اجتماعی»، فصلنامه ۱۳۹۱)؛
۱۸. زریاف، مهدی (۱۳۹۱)؛ <http://www.598.ir/fa/news/72430%D8%A7%D9%82%D8%AA%D8%B5>
۱۹. زیرکی حیدری، علی و هزاونی، سید مرتضی (۱۳۹۳)، «اقتصاد مقاومتی؛ نماد مدیریت جهادی، در اقتصاد سیاسی ایران»، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، شماره ۳۷.
۲۰. سایت رهبری، <http://www.khamenei.ir>

۲۱. سبحانی، حسن (۱۳۹۳)، «تصمیم‌گیری‌های اقتصادی، نیازمند توجه به واقعیت‌های اجتماعی»، ماهنامه کیهان فرهنگی، شماره ۳۳۱-۳۳۲.
۲۲. ستوده، هدایت‌الله (۱۳۸۴)، آسیب‌شناسی اجتماعی، تهران، انتشارات آوای نور.
۲۳. سیف، الله مراد (۱۳۹۱)، **الگوی پیشنهادی اقتصاد مقاومتی جمهوری اسلامی ایران**، آفاق امنیت، سال پنجم، شماره ۱۶.
۲۴. صادقی شاهدانی، مهدی (۱۳۹۱)، <http://www.khorshidonline.com/?itemcode=0-43-1692>
۲۵. صدر، سید محمد باقر (۱۳۶۰)، اقتصاد ما، ترجمه سید کاظم موسوی، مشهد، جهاد سازندگی.
۲۶. علیزاده، مهدی (۱۳۸۲)، نقش اسلام در پیش‌گیری و کاهش بزه کاری، مشهد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، چاپ اول.
۲۷. عمید، حسن (۱۳۵۶)، فرهنگ عمید، تهران، انتشارات امیر کبیر.
۲۸. کامفیروزی، محمد حسن؛ بنیادی نائین، علی و موسوی، لقمان (۱۳۹۲)، «بررسی نقش عوامل در اقتصاد بدون نفت در الگوی اقتصاد مقاومتی»، **فصلنامه اقتصاد اسلامی**، شماره ۵۲.
۲۹. کوئن، بروس (۱۳۷۲)، مبانی جامعه‌شناسی، ترجمه فاضل توسلی، تهران، سمت.
۳۰. گیدنر، آنتونی (۱۳۷۳)، جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری کاشانی، تهران، نشر نی.
۳۱. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق)، بخار الانوار لدرر اخبار الائمه الاطهار، بیروت، مؤسسه الوفاء.
۳۲. مریجی، شمس‌الله (۱۳۸۲)، «علل نادیده گرفتن ارزش‌ها»، **فصلنامه معرفت**، شماره ۷۲.
۳۳. معلمی، سید مهدی (۱۳۹۰)، مفهوم و اصول اقتصاد مقاومتی در آموزه‌های اقتصاد اسلامی، تهران، دانشگاه علم و صنعت ایران.
۳۴. مصباح، محمد تقی (۱۳۷۲)، جامعه و تاریخ، تهران، مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی.
۳۵. مؤسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد (۱۳۸۲)، جایگاه شرکت‌های چندملیتی در فرایند جهانی شدن و تأثیر آنها بر امنیت ملی و اقتصادی جمهوری اسلامی ایران، تهران.
۳۶. موسوی، سید علی (۱۳۹۲)، <http://daneshgahnews.com/0fa17729idcontent.htm>
۳۷. میرadal گونار (۱۳۵۶)، طرحی برای مبارزه با فقر جهان، ترجمه قهرمان قدرت‌نما، تهران، انتشارات امیر کبیر.
۳۸. میر محمدی، محمد حسین (۱۳۹۱)؛ <http://www3.arak.irna.ir/fa/News/80437349/%D8%A7%D8%B3%D8%AA>
۳۹. میرمعزی، سید حسن (۱۳۹۱)، «**اقتصاد مقاومتی و ملزمات آن با تأکید بر دیدگاه‌های مقام معظم رهبری**»، **فصلنامه اقتصاد اسلامی**، شماره ۴۷.

۴۰. نجفی ابرند آبادی، علی حسین (۱۳۷۸)، رویکرد بزره دیده‌شناسی به بزره‌های بدون بزره دیده، دیباچه در کتاب جرایم بدون بزره دیده، محسن رهامی، تهران، انتشارات میزان، چاپ دوم.
۴۱. نوری، میرزا حسن (۱۳۸۲ق)، مستدرک الوسائل، مصر، المطبعة الحسينية.
۴۲. نیک گهر، عبدالحسین (۱۳۶۹)، مبانی جامعه‌شناسی، تهران، رایزن.
۴۳. وثوقی، منصور و نیک خلق، علی اکبر (۱۳۷۱)، مبانی جامعه‌شناسی، تهران، کسری، چاپ پنجم.
۴۴. همایون کاتوزیان، محمد علی (۱۳۷۴)، ایدئولوژی و روش در اقتصاد، ترجمه م. قائل، تهران، نشر مرکز.